

گزارش خبری

جنگل‌های اردبیل زیر تیغ سودجویان

ونوس بهنود / اردبیل

■ روند نابودی بخش مهمی از پوشش جنگلی و گیاهی استان اردبیل در حالی تسریع شده که سکوت و بی‌توجهی مسوولان در برابر تخریب، راه را برای سودجویان هموار کرده و منابع جنگلی هم‌اکنون زیر تیغ متخلفان و قاچاقچیان چوب رفته است. به گزارش مهر، جنگل‌های اطراف جاده اسلام به خلخال، مجموعه جنگل‌های فندق‌لو و بخشی از جنگل‌های منطقه حیران از جمله مهم‌ترین جنگل‌های استان اردبیل هستند که با تخریب گسترده در سال‌های اخیر روبه‌رو بوده‌اند. مساحت جنگل‌ها و بیشه‌زارهای طبیعی استان اردبیل بالغ بر ۶۰۰ هزار هکتار برآورد می‌شود که در سه ناحیه رویشی خزری (هیرکانی)، ارسبارانی و ایران -تورانی واقع شده است. گونه‌های غالب جنگل‌های استان اردبیل را فندق، ارس، بلوط، زبان گنجشک و افرا تشکیل می‌دهند. ناحیه رویشی هیرکانی در اردبیل، مناطق فندقلو در شهرستان نمین را شامل می‌شود ناحیه ایران- تورانی مناطق جنگلی شهرستان‌های کوثر و خلخال و ناحیه رویشی ارسباران شامل مناطقی در شهرستان‌های مشگین‌شهر، پارس‌آباد و گرمی است. این جنگل‌ها به صورت پراکنده در این مناطق قرار دارند که همین موضوع دلیلی بر نابودی این جنگل‌ها است. قاچاق چوب، بهره‌برداری بی‌رویه از جنگل به منظور تامین سوخت هیزم، بهره‌برداری و قطع غیرمجاز چوب به منظور استفاده در نجاری، قطع سسر شاخه درختان به منظور تامین خوراک دام به‌خصوص در زمستان، تبدیل جنگل به عرصه چرای دام، آتش‌سوزی‌های عمدی و غیر عمدی توسط جنگل‌نشینان و چوپان‌ها و لگدکوب شدن خاک جنگل توسط دام، از جمله علل تخریب جنگل‌های اطراف استان اردبیل در سال‌های اخیر بوده است.

تولید هیزم؛ آتش زیر خاکستر در جنگل‌های اردبیل / نظارت‌ها وعده است

یکی از مهم‌ترین تخریب‌های وارده به جنگل‌های اردبیل به خصوص در منطقه حیران تولید هیزم توسط برخی افراد سودجو است که علاوه بر تخریب بخش عمده‌ای از جنگل، این مناطق را همواره در کمین آتش‌سوزی قرار می‌دهد. نمونه موردی این نوع تخریب بیشتر در جنگل‌های منطقه «سوها» مشاهده می‌شود که بدون توجه محافظان منابع طبیعی به یکی از منابع درآمد روستاییان، سودجویان و دلالتان تبدیل شده است. یکی از دوستداران محیط زیست در اردبیل به مهر گفت: ویژگی اقلیمی و آب و هوای مثال‌زدنی این استان به دلیل پوشش گیاهی خاص این منطقه است و افرادی که دست به تخریب جنگل می‌زنند علاوه بر نسل فعلی چندین نسل را متضرر خواهند کرد. سمیرا بهرام‌نژاد با انتقاد از بی‌توجهی مسوولان در مقابل تخریب گسترده جنگل‌های شمال منطقه حیران تصریح کرد: جای تعجب است که تخلفات مهر نشود و به سادگی می‌توان نمونه برش درختان، تولید هیزم و قاچاق چوب را مشاهده کرد.

عدم نظارت مطلوب مهم‌ترین عامل تخریب جنگل

علاوه بر هیزم درختان، منطقه شمال قربانی قاچاق چوب و الوار نیز است به‌طوری‌که چندی پیش سرپرست منابع طبیعی و آبچیزداری استان اردبیل سهم گرفته حیران در قاچاق چوب و الوار را بیشترین مقدار در بین جنگل‌های این استان برشمر درسول حسین‌زاده که عدم تعامل بین منابع طبیعی دو استان اردبیل و گیلان را مهم‌ترین دلیل افزایش قاچاق چوب در این منطقه عنوان کرد با اشاره به تشکیل کمیته‌های کاری توسط این دو استان، بهبود این معضل را از آینده نوید داد. حسین‌زاده غفلت متوالیان و عدم نظارت مطلوب را مهم‌ترین عامل تخریب جنگل از سوی قاچاقچیان برشمره و یادآور شد: با هدف جلوگیری از تخریب و قاچاق منابع طبیعی برخورد جدی و قاطع در دستور کار قرار گرفته و اسلحه به صورت جدی با عوامل و گروه‌های قاچاق مبارزه خواهیم کرد.

اردبیل، رتبه اول کشوری در جلوگیری از تخریب اراضی جنگلی
وی به آمادگی کامل گروه‌ها و اکیپ‌های یگان حفاظت منابع طبیعی اردبیل در صیانت از جنگل‌ها اشاره کرد و متذکر شد: استان اردبیل در جلوگیری از تخریب اراضی جنگلی مقام اول کشور را داراست. حسین‌زاده همچنین جلوگیری از تخریب ۲۰ هزار هکتار از اراضی طبیعی استان اردبیل را در ماه‌های گذشته یادآور شد و تصریح کرد: علاوه بر صیانت و حفاظت از منابع جنگلی و مراتع در سال گذشته ۵۰۰ هزار اصله نهال به صورت رایگان در بین مردم اردبیل توزیع شد تا توسعه کبکی را در بحث کاشت نهال و جنگل‌کاری در استان شاهد باشیم. اظهارات حسین‌زاده در کسب مقام نخست جلوگیری از تخریب اراضی در حالی است که چندی پیش رئیس منابع طبیعی شهرستان خلخال نیز از کشف هشت تن چوب و الوار به ارزش ۳۰ میلیون ریال از جنگل‌های این منطقه خبر داده بود و باید توجه داشت که این کشفیات تنها بخشی از آمار واقعی قاچاق چوب بوده که تیشه بر ریشه جنگل‌های این منطقه زده است.

گسترش بی‌رویه ویلاسازی در حیران
علاوه بر تبدیل منابع جنگلی به هیزم و سوخت به عنوان اصلی‌ترین علل نابودی جنگل‌های این منطقه، هم‌اکنون بی‌توجهی مسوولان دو استان اردبیل و گیلان باعث شده که تغییر کاربری و ساخت و ساز در گونه حیران به عنوان جاذبه گردشگری استان به جولانگی برای ساخت و سازهای بی‌رویه ویلا توسط عده‌ای فرصت‌طلب تبدیل شده و چهره طبیعت دگرگون شود. یکی از شهروندان اردبیلی با اشاره به وضعیت گرنده حیران گفت: در صورتی که کشاورز و چوپان با ساخت هیزم معیشت خود را سیری می‌کند در گرنده حیران ویلاسازی برای تفریحات قشر مرفه چهره پوشش گیاهی را تغییر داده است.

سال نهم ■ شماره ۱۵۸۶



فاطمه پور معصوم/ ارومیه

دریاچه ارومیه در قامت یک قربانی

این زمین‌ها و پیشروی آب به روستاهای نزدیک دریاچه و افزایش خطر تخریب این روستاها از تهدیدات رشد آب دریاچه در این دوره زمانی به شمار می‌آید اما از این دوره به بعد است که افول آب و شروع شرایط تنش، فوق‌العاده و بحرانی برای دریاچه دیده می‌شود و آب دریاچه با کاهش سه متر در سطح در سال ۱۳۷۹ به تراز متوسط کاهش پیدا می‌کند و از همین سال به بعد، تا سال ۱۳۸۹ مرز حداقلی تراز آبی را هم رد کرده و این کاهش مداوم آب دریاچه تا جایی پیش می‌رود که در سال ۱۳۸۹ سطح آب به تراز آبی ۱۲۷۱/۶ متر می‌رسد چنان‌که ۲/۵ متر از حداقل تراز آبی پیش‌بینی‌شده برای دریاچه، سطح آب کاهش پیدا می‌کند. مقایسه سطح تراز آبی میان سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ توسط کارشناسان محیط زیست، کاهش آب دریاچه حتی با بارندگی بهار ۹۰ و رسیدن به تراز آبی ۱۲۷۰/۹۹ متر را در پاییز سال پیش گزارش می‌دهد. کاهش آب دریاچه، افزایش مقدار نمک در هوا و واهمه افزایش زمین‌های بایر و تبدیل آذربایجان به شورومزار از اندک نگرانی‌هایی است که هر روز مردم آذربایجان غربی، شرقی و حتی استان‌های همجوار یعنی اردبیل و کردستان را به پرسش وامی‌دارد که چرا دغدغه‌های این منطقه مورد توجه قرار نمی‌گیرد و برنامه جدی برای کنترل این شرایط تعیین‌نمی‌شود.

براساس مطالعات انجام‌شده دو دهه اخیر کارشناسان، واقع شده است. این حوضه آبریز بسته بوده و به نحوی است که تمامی آب‌های سطحی و زیرزمینی از مناطق پیرامون به سمت دریاچه سرازیر می‌شوند. موقعیت خاص حوضه از لحاظ زمین‌شناسی، میزان تبخیر بالا و تجمع مداوم املاح در آن، منجر به تبدیل دریاچه به یک پهنه آبی فوق‌العاده شور شده است. این دریاچه توسط تعدادی تالاب آقماری آب شیرین احاطه شده که مجموعه این تالاب‌ها یک منطقه مهم اکولوژیک در اطراف دریاچه را به وجود آورده است چنان‌که این حوضه آبریز در ارتفاعی بین ۱۲۸۰ تا ۳۶۰۰ متر بالاتر از سطح دریا قرار گرفته است که پست‌ترین نقطه آن دریاچه ارومیه و دشت‌های وسیع اطراف آن است و از همین رو بوده است که دریاچه و تالاب‌های آقماری آن با مشارکت برنامه عمران سازمان ملل انتخاب شدند تا مورد حمایت قرار بگیرند. چنان‌که کاهش شدید سطح آب و افزایش شوری، تغییر کاربری زمین، آلودگی و کاهش جریان‌های ورودی آب از جمله تهدیداتی است که دریاچه ارومیه را مانند سایر مشکلات تالاب‌های ایران درگیر می‌کند.

براساس گزارشات، محدودیت شدید منابع آب جهت رقابت بین کاربری‌های مختلف، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت منابع آب، تغییرات کاربری اراضی در سطح حوضه آبریز و حاشیه تالاب‌ها، تخلیه فاضلاب‌های شهری، صنعتی و کشاورزی بدون تصفیه مناسب و همچنین بالا بودن میزان رسوبات جریان‌های آب‌های سطحی و خشکسالی‌های پیاپی همه از مشکلات تالاب‌های ایران هستند که بسیاری از اوقات بدون در نظر گرفتن نیاز آبی تالاب‌ها روی داده‌اند پس چرا نیاز آبی تالاب‌ها از اندک نگرانی‌ها و مسایلی است که تا زمانی که شرایط بحرانی را برای تالاب‌ها به وجود نمی‌آورد همیشه مورد اغماض مسوولان قرار گرفته است. بنابراین با توجه به مشکلات ذکرشده اگر نگاه کوتاهی به وضعیت و تراز آبی دریاچه داشته باشیم متوجه سوءمدیریت خواهیم شد.

براساس مدارک به دست‌آمده، متوسط تراز آبی که برای دریاچه ارومیه محاسبه شده است ۱۲۷۵/۳۷ متر است که حداقل تراز آبی آن هم ۱۲۷۴/۱ متر اعلام شده است. براساس این ترازها، از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۸۹، ش. دریاچه ارومیه، ترازهای آبی مختلفی را تجربه کرده است. گاهی در اوج برآبی بوده و گاه تشنه و عطشان در زیر حداقل تراز آبی قرار گرفته است چنان‌که در سال ۱۳۴۴ از تراز آبی ۱۲۷۳/۳ متر به ۱۲۷۶/۳ متر در سال ۱۳۴۹ رسیده است که این مقدار آب تا سال ۱۳۷۰ در ۱۲۷۵ متر رسیده است. از این تاریخ به بعد، دریاچه به اثر بارندگی‌های بسیار در سال ۱۳۷۵ در پرب‌ترین شرایط قرار گرفته و تا تراز آبی ۱۲۷۷/۶۹ متر پیش می‌رود. پیش‌روی آب به زمین‌های زراعی و بایر کردن

مصارف کشاورزی و سایر کاربری‌ها منجر به کاهش جریانات ورودی به دریاچه شده است. همچنین احداث میان‌گذر شهید کلانتری، شرایط رسوبی این دریاچه را افزایش داده است. با توجه به این اهداف، پرسشی که افکار عمومی و مردم آذربایجان مطرح می‌کنند این است: چرا زمانی که آب دریاچه طغیان کرده بود به فکر مدیریت جامع این دریاچه نبودید؟ چرا زمانی که کاهش مداوم آب دریاچه از سال ۷۹ به بعد افزایش پیدا کرد به فکر آینده دریاچه و مردم آذربایجان نبودید؟ اگر احداث پل میان‌گذر موجب تشدید وضعیت فعلی شده است چرا به احداث این پل پرداختید؟ چرا اطلاع‌رسانی و آگاه کردن مردم به وضعیت محیط زیست‌شان جزو آخرین دستورالعمل‌هایی است که ابلاغ می‌شود مخصوصا در موقعیتی که مردم ساکنان منطقه، انتظارات و درخواست‌هایی از مسوولان و سازمان محیط زیست دارند؟

اگر بخواهیم اهمیت دریاچه ارومیه را از جوانب انسانی و زیست‌محیطی بسنجیم این تالاب دارای پوشش گیاهی بالغ بر ۵۵۰ گونه گیاهی، زیست ۲۷ گونه پستاندار، ۲۱۲ گونه پرند، هفت گونه دوزبست و ۲۶ گونه ماهی است که علاوه بر خیل عظیم انسان‌هایی است که در اطراف دریاچه سنگ شهرها و روستاهاشان را بن بنا نهاده‌اند زندگی می‌کنند؛ مردمی که جز علاقه وافرشان به دریاچه، با شرایط فعلی دریاچه در چند سال آینده مجبور به مهاجرت از این حوزه به سایر استان‌ها یا کشورهای همجوار خواهند شد؛ بحرانی که مختص منطقه آذربایجان نیست و نه تنها یک بحران ملی به شمار می‌آید بلکه می‌تواند به یک بحران منطقه مشترک میان کشورها نیز تبدیل شود. در ادامه ارزش

دریاچه را می‌توان حمایت از تنوع زیستی، تعدیل آب و هوا، کاهش و ترسیب رسوبات و آلاینده‌ها، تثبیت نهشته‌های نمکی و جلوگیری از پراکنش آنها به مناطق اطراف، رونق و توسعه گردشگری و طبیعت‌گردی، آبی‌پروری، صید آرتیمه، برداشت نمک، آب چری گاویش‌ها، چراگاه دام‌های اصلی، ماهیگیری، شکار پرندگان آبی، استفاده از نی برای

مصارف صنایع دستی و گیاهان دارویی عنوان کرد. با توجه به این کارکردها در سال ۱۳۸۱ تهدیداتی از سوی کارشناسان محیط زیست دریاچه شناسایی شده بود؛ تهدیداتی چون رقابت بر سر استفاده و تخصیص منابع آب، آلودگی آب، کاهش جریان‌های آب ورودی، افزایش رسوبات ورودی، خطر پخش سموم فلزات سنگین، فلزاتی گونه‌های غریبومی و ایجاد اختال و مزاحمت برای حیات وحش؛ تهدیداتی که با توسعه روزافزون کشاورزی، صنعت و شهرنشینی باعث افزایش رقابت بر سر آب و کاهش آب تخصیص‌یافته به دریاچه و تالاب‌ها می‌شود. افزایش تخلیه آلاینده‌های شیمیایی کشاورزی و فاضلاب صنعتی و شهری، بهره‌برداری از جریان رودخانه‌ها از طریق سد‌ها و شبکه‌های وابسته، تغییر کاربری یا تخریب چراگاه‌های طبیعی، بهره‌برداری بیش از حد منابع آب زیرزمینی، احداث ساختمان در چراگاه‌های اطراف و مجاور تالاب‌ها (چنان‌که تالاب یادگارلو در اثر احداث زهکش خشک شد) و ایجاد اختلال در هیدروبنیامیک دریاچه به دلیل احداث میان‌گذر شهید کلانتری از جمله مسایلی است که در دو دهه اخیر به دلیل ناکارآمدی و سوءمدیریت مسوولان و عدم توجه آنها به کارکردهای محیط زیستی دریاچه، منجر به وضعیت وخیم فعلی دریاچه شده است. در بسیاری از اوقات، انگشت اتهام به سوی مردم گرفته می‌شود که اهالی تالاب به فکر دریاچه نبوده‌ند و مستکاری در محیط زیست این تالاب یا با درخواست از مسوولان برای اتمام پل شهید کلانتری، خود تیشه به ریشه دریاچه زدند اما پرسش این مردم از مسوولان این است که زمانی که طرح‌های غیر کارشناسانه مطرح می‌شوند، نابودی دریاچه گناه نیست؟!

در برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه، کارویژه‌هایی نیز به وزارت نیرو و جهاد کشاورزی و سازمان محیط زیست محول شده است. مواردی چون تعیین سهم آب



نمای هوایی از دریاچه ارومیه

قابل بهره‌برداری هر استان و سهم هر استان در تامین نیاز آبی، جلوگیری از حفر چاه‌ها و بهره‌برداری‌های غیرمجاز و مسلوب‌المنفعه کردن چاه‌های غیرمجاز قبلی، انجام مطالعات و اقدامات اجرایی انتقال آب از حوضه‌های مجاور، مطالعات باروری ابرها، اجرای بهره‌برداری از پساب تصفیه‌خانه‌های شهرهای بزرگ حوضه و آرزایی استراتژیک طرح‌های توسعه منابع آب بر عهده وزارت نیرو گذاشته شده است و افزایش راندمان آبیاری کشاورزی به میزان سالانه پنج درصد، اصلاح الگوی کشت متناسب با تخصیص موجود آب در هر استان، اجرای سند ملی آب بر عهده وزارت جهاد کشاورزی است و سازمان حفاظت محیط زیست نیز میله‌گذاری حریم و اراضی، نظارت بر نحوه اجرای برنامه مدیریت جامع و نظارت بر تامین ختابه دریاچه ارومیه را عهده‌دار شده است چنان‌که براساس گزارش‌های مردمی و بعضی از مدیران بومی، این کارویژه‌ها محقق نشده یا اعتبار مالی کسب نکرده‌اند. با توجه به این شرایط و عدم حمایت کافی دولت و مجلس از نجات دریاچه ارومیه، شاکان ساکنان شمال غرب کشور چه راهکار‌هایی می‌توانند داشته باشند؟ زمانی که در مردامه سال ۱۳۹۰، مجلس نسبت به دو فوریت طرح نجات دریاچه ارومیه مخالفت خود را نشان داد و یکی از دلایل رد این دو فوریت را کمبود بودجه اعلام کرد، زمانی که نمایندگان فارس و بخوندر، دلایل رد طرح را اهمیت کم این مساله دانستند و با اشاره به مشکل گردو غبار موجود در نواحی جنوب و عدم رسیدگی و پردازش درست به شرایط هموطنان جنوب ایران، رسیدگی و تخصیص بودجه برای انتقال آب رودخانه ارس به دریاچه ارومیه را امری غایزلام دانستند و حتی ایراد کردند که «به جای تخصیص بودجه به زبان‌های کشاورزان آن منطقه، به آنها پول بدهید که از آنجا بروند و کار دیگری بکنند!» چه انتظاری می‌توان از مردمی داشت که هر روز، خشک شدن دریاچه را می‌بینند و بیم نابودی و مهاجرت را در سر می‌پروراندند. سال ۹۰، اقدامات آب‌رسانی به دریاچه اموری غیر کارشناسانه مطرح شد و مورد توجه کارویژه‌های سازمان‌های نیرو، جهاد کشاورزی و محیط زیست قرار گرفت ولی کدام اعتبار و کدام مدیریت مسوول تحقیق این امور بوده است؟

خشک شدن دریاچه، یک فاجعه زیست‌محیطی ملی است که گاه آن را بمت نمک هشت میلیارد تنی نیز می‌نامند؛ بمبی که در صورت انفجار با وزش بادهای حاوی نمک نه تنها استان‌های هم‌جوار دریاچه بلکه استان‌های اطراف را نیز درگیر خواهد کرد؛ وزش بادهایی که منجر به فراگیری نمک بر مزارع، باغات و مراتع خواهد شد. در مطالعاتی که دانشتیم خطر دیگری را نیز توانستیم شناسایی کنیم؛ خطر پخش سموم فلزات سنگین، فلزاتی همچون سرب، آلومینیوم، جیوه، مس، کادمیوم، نیکل و آرسنیک که از سموم پرخطر پیرامون ما هستند که در صورت خشک شدن دریاچه مانند نمک در هوای استنشاقی مردم پخش خواهند شد و با جایگزینی با دیگر املاح و مواد معدنی مورد نیاز بدن و با رسوب در بافت‌های عروق، عضلات، استخوان‌ها و مفاصل مضراتی چون اختلالات عصبی (پارکینسون، آلزایمر، افسردگی، اسکیزوفرنی)، انواع سرطان‌ها، فقر مواد مغذی، بر هم خوردن تعادل هورمون‌ها، چاقی، سقط جنین، اختلالات تنفسی و قلبی- عروقی، آسیب به کبد، کلیه‌ها و مغز، آلرژی و آسم، اختلالات غدد درون‌ریز، عفونت‌های ویروسی مزمن، کاهش استانه تحمل بدن، اختلال در عملکرد آنزیم‌ها، تغییر در سوخت و ساز، ناباروری، کم‌خونی، خستگی، تهوع و استفراغ، سردرد و سر گیجه، تحریک‌پذیری، تضعیف سیستم ایمنی بدن، تخریب زن‌ها، بیری زودرس، اختلالات پوستی، کاهش حافظه، بی‌اشتهایی، التهاب مفاصل، ریزش مو، پوکی استخوان، بی‌خوابی و مرگ را به دنبال خواهند داشت.

ساکنان استان‌های شمال غرب کشور بی‌مسئولیتی مسوولان را عامل اصلی این شرایط می‌دانند و از طریق رسانه‌های خصوصی و دولتی، خواهان توجه دولت و مجلس به مساله دریاچه ارومیه هستند همچنین در صدا و بیلاگ شخصی، شهادرها و خسارت‌های پدیده خشکی دریاچه ارومیه را مطرح کرده‌اند و صداها و هزاران بار از دریاچه خواستار کمک‌رسانی شده‌اند.

گزارش خبری

بیکاری در هرمزگان از حرف تا عمل

■ **مهر:** مسوولان استانی با اعلام آمار ایجاد اشتغال در دو سال اخیر اعتقادی به افزایش بیکاری در هرمزگان نداشته و هر روز بر کاهش بیکاری در استان تاکید دارند اما باید دید که کاهش بیکاری در استان چه تفاوت‌هایی از حرف تا عمل داشته است. هرمزگان به عنوان مهم‌ترین پایگاه اقتصادی و تجاری کشور همواره پذیرای مهاجران جوانی کار از سراسر ایران بوده است اما با وجود این فرصت بزرگ و همچنین اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی و کارآفرینی متعدد دولت، چرا هنوز جوان بیکار در کوچه پس‌کوچه‌های شهرهای بندری هرمزگان به تاریکی می‌روند و لامپ‌های معایری که شهرداری یا هر ارگان دیگری که نصب می‌کند، برای آنها روشنایی‌بخش نیست. نرخ بیکاری در استان هرمزگان در سال ۸۳ رقم ۱۲/۱ درصدی را داشته که این نرخ در سال ۸۴ به ۹/۳ درصد، سال ۸۵ به ۷/۷ درصد، سال ۸۶ به ۹/۴ درصد، سال ۸۷ به ۸/۴ درصد، سال ۸۸ به ۹/۶ درصد، سال ۸۹ به ۱۱/۲ درصد و در سال ۹۰ به نرخ ۱۱ درصد رسیده است. به گفته مسوولان که سعی دارند با ارائه آمار استان را در بین استان‌های بالای جدول کاهش نرخ بیکاری قرار دهند نرخ بیکاری در هشت سال گذشته بین شش تا ۱۲ درصد در نوسان بوده در حالی‌که فرصت‌های شغلی ذاتی در هرمزگان و فرصت‌های متعدد اشتغال‌زایی به‌وجودآمده توسط دولت، این نرخ نتوانسته حتی در طول یک دوره زمانی نسبتاً طولانی به طور مداوم در اعداد حداقلی خود ثابت بماند. هرمزگان به طور ذاتی یک استان گردشگری‌پذیر و تجاری است که به واسطه وجود بندرشمیم شهید رجایی که قریب به نیمی از واردات کشور را بر عهده دارد و همچنین ارتباط نزدیک دریایی با کشورهای حوزه خلیج‌فارس به ویژه امارات و عمان همواره پذیرای مهاجران جوانی کار از سراسر ایران بوده است. استقرار صنایعی بزرگ در زمینه نفت، گاز، سنگ‌ها و مواد معدنی و فولاد، آلومینیوم، کشاورزی، شیلات و کشتی‌سازی موجب شده تا نیروی کار زیادی در این استان مشغول به کار شوند. ایجاد اشتغال با عناوین مختلف توسط دولت شامل طرح بنگاه‌های کوچک زودبازده، واگذاری تسهیلات خوداشتغالی، مشاغل خانگی، تسهیلات مشاغل کارآفرین و اختصاص سهمیه‌های جذب و استخدام در ادارات موجب شده تا در چند سال اخیر نیز شاهد آمارهای اشتغال‌زایی بسیار خوبی در استان باشیم که به واسطه همین طرح‌ها بسیاری ناغ و بسیاری هم صاحب کار شدند. اما با وجود این همه ظرفیت‌های بزرگ و متعدد در استان هرمزگان در زمینه اشتغال هنوز جوانان بیکار در کوچه پس‌کوچه‌های شهرهای بندری هرمزگان به تاریکی می‌روند.

۳۱ هزار هکتار زمین، آماده واگذاری به جوانان جوانی کار

استاندار هرمزگان با بیان اینکه اجرای طرح کشاورزی مهر در استان هرمزگان آغاز شده، اظهار داشت: این طرح فرصتی بزرگ برای جوانان مستعد و جوانی کار در استان است. ابراهیم عزیزی در گفت‌وگو با مهر اضافه کرد: هر شخص بیکاری در استان هرمزگان می‌تواند در این طرح ثبت‌نام کند که طبق آن زمین اشتغالی هر جوانی مستعد و توانمند در استان مشغول به اشتغال و اقتصاد را رونقی دیگر بخشند. استاندار هرمزگان با بیان اینکه تاکنون ۳۱ هزار و ۵۲۶ هکتار اراضی جهت واگذاری به مردم استان شناسایی شده، افزود: فرمانداران هر شهرستان مأموریت یافته‌اند تا در منطقه خود اراضی مستعد را شناسایی و سپس با اب منطقه‌ای هرمزگان نسبت به تأمین آب مورد نیاز اقدام کنند. عزیزی خلایقت و ابتکار را لازمه طرح کشاورزی مهر عنوان کرد و بیان داشت: البته نباید خود را محدود به آب کنیم و قرار هم نیست کشاورزی غرق آبی راه بیندازیم بلکه باید با ابتکار عمل به کاشت محصولات روی آویم که بازدهی و اقتصاد خوبی را دارند و در مقابل به آب زیادی مهر ندارند و می‌توانند گیاهان دارویی همچون شیرین‌بیان را از جمله کشت‌هایی عنوان کرد که بازار خوبی دارد و اصالتاً نیاز چنانچه به آب هم نخواهد داشت. وی به هزار هکتار زمین در اراضی زیر دست سد جگین شهرستان جاسک اشاره کرد و اظهار داشت: تمامی کارهای لازم برای واگذاری این زمین‌ها به جوانان جاسکی انجام شده و حتی در جایی که جوان متقاضی جهت اخذ تسهیلات با مشکل پایان خدمت مواجه شده زمین را به پدر وی واگذار کرده‌ام تا حداکثر کسانی که می‌خواهند واقعا کار کنند از این طرح بهره‌مند شوند. در کنار کشاورزی، طرح‌های لمداری، مرغ‌داری و صنایع شیلاتی نیز گنجانده شده تا هر کس در هر زمینه‌ای که می‌تواند به مقصود خود که همان تراز آوری برای خانواده و خانواده خویش بلکه با کارآفرینی برای همشهریان و همسالان خود نیز ممر درآمدی ایجاد کنند. استاندار هرمزگان به اجرای ۳۳ پروژه بزرگ مهر ماندگار با اعتبار ۱۵۰ هزار میلیارد در استان هرمزگان اشاره کرد و اظهار داشت: این طرح‌ها عمدتاً در بخش‌های صنعت، نفت، نیرو، بهداشت و درمان، علم و فناوری، راه و شهرسازی، محرومیت‌زایی، گردشگری و ایثارگران است. قطعاً سازندگی و آبادانی ایجاد اشتغال را به همراه دارد و فرای این بحث نیز در طرح‌های مهر ماندگار ایجاد اشتغال به طور ویژه‌ای دیده شده است.